

مسائل اجتماعی دختران مسلمان در ایالت «اوتارپرادش» هند

در خانواده‌های مسلمان در ایالت اوتارپرادش، دختر به عنوان یک مخلوق بیچاره و بی‌عاطفه تصور می‌شود که اطاعت بی‌چون و چیرا از بزرگان، وظیفه اصلی او بشمار می‌آید. زن مسلمان در اجتماع خود، از هیچ تشخص و مقامی برخوردار نیست. وی موظف است درجهت شناخت و تشخص پدر و برادرش تلاش نماید و به قول خاتمه بانو اکیره که متعلق به یک خانواده متعصب مسلمان است طبیعت، در هر حال مرد را در مقابل زن قدرت تفوق و برتری بخشیده است و در کلیه شئون حیات،

مقاله‌ای که در ادامه می‌خوانید به بررسی سوقیت زنان مسلمان در ایالت اوتارپرادش - که جمعیت زیادی از مسلمانان هند را در خود جای داده است - می‌پردازد.

قابل ذکر است که نویسنده در فوזהایی از مطلب، متأثر از افکار غربی می‌باشد، اما در مجموع مقاله این مقاله، با اندازه‌ای شناختی اجمالی از چهره زن مسلمان در جامعه هند به دست می‌دهد.

● «سر سید احمد خان»

به پیروی از اشعار مولانا
حالی که مروج باسوادی
دختران بود، مدرسه
دختران را در شهر علیگر
تاسیس کرد که بعداً به
صورت دانشکده زنان
درآمد.

● اخیراً تعدادی

سازمان اجتماعی
مسلمان بوجود آمده که
از حقوق زنان مسلمان
دفاع می‌کنند.



کسانی که در اوقات فراغت خود به ترویج و ترویج و ترویج می‌باشند و به ترویج می‌باشند.

در این مصاحبه از آن یاد شده است که برای ترویج و ترویج و ترویج می‌باشند و به ترویج می‌باشند.



در خانه داماد چگونگی زندگی کنیم، مثلا کم خوردن، کم خفتن و با پیش از شوهر غذای خوردن. وی اضافه می‌کند که ازدواج یک دختر مسلمان در اوتارپرادش تا به امروز مفهوم فریادتن در سیاهال را داشته است. چون دختر حق ندارد درباره سرنوشت زندگی حرفی بزند.

به دنبال نفوذ تعلیمات غربی در کشور، تنی چند از مصلحان مسلمان مانند سرسیداحمدخان و مولانا حالی از باسواد شدن دختران کراهت کردند. سرسیداحمدخان به پیروی از اشعار حالی، که مروج باسوادی دختران بود مدرسه دختران را در شهر علیگر تأسیس کرد که بعداً به صورت دانشکده زنان درآمد. اما سرسیداحمدخان هم، حجاب را برای شاگردان دختر ضروری و الزامی اعلام کرد و متذکر شد که دختران باید باحجاب به فراگیری علم بپردازند تا بتوانند خدمات شایانی برای جامعه اسلامی به عنوان یک مادر باوجدان و آگاه انجام دهند و نسل جوان مسلمان را پرورش دهند. تقسیم شبه قاره هند در سال ۱۹۴۷، تغییرات اساسی را در اجتماع اسلامی در هند بوجود آورد؛ مثلاً در اثر بروز درگیری‌های گروهی بین هندوها و مسلمانان، حجاب بین زنان مسلمان یک رنگ خطر برای جان آنها تلقی گردید و محرومیت‌های اقتصادی باعث شد که دختران مسلمان از حریم خانه بیرون آیند و دوشادوش پسران کار کنند و بیش از پیش به فراگیری تحصیلات بپردازند.

کیسیتی به نام ونیسکونه در سال ۱۹۷۵ تعیین شد تا نقش کتاب‌های درسی در تغییر زن هندی را بررسی نماید. در بررسی انجام شده اعلام کرده‌ید که در این کتاب‌ها، زن هندی در مجموع همان زن قدیمی بی‌عاطفه فالد اختیار قلمداد می‌شود و نشان می‌دهد که زن، گویی به غیر از یک جنس جذاب، هیچ صلاحیت فکری و ذهنی دیگری را در نزد مرد دارا نباشد. در حالی که در مقابلش، مرد را به عنوان یک انسان ماجراجو و مخترع و دلیر و سلحشور مجسم می‌سازند. مثلاً بعضی کتاب‌های علوم، دارای تصاویری هستند که نشان می‌دهد پسران مشغول فراگیری تجربیات علمی هستند در حالی که شاگردان دختر در کنار آنها، فقط ناظر هستند و یا معلم به پسران دستور می‌دهد که نقشه و تصاویر علمی دیگر به دیوار نصب نمایند و در عوض، به دختران یاد می‌دهد که چگونه غذا تهیه نمایند. در موضوعات نمایشی مدارس، پسران در نقش پادشاه و اله‌راد سلحشور ظاهر می‌شوند در حالی که دختران در نقش مادر، کلفت و خدمه. همین طور در رسانه‌های گروهی نیز بین زن و مرد تبعیض قائل می‌شوند. فیلم‌های هندی زنان که در تلویزیون به نمایش گذاشته می‌شود زن را به عنوان مخلوق بی تفاوت و بی دفاع در مقابل مرد نشان می‌دهد و در پوستریهای تبلیغاتی، از زن سوءاستفاده می‌شود.

زن، یک انسان مطیع و فرمانبردار مرد اعلام شده است. یعنی از مهدت‌الحد، وی باید در خدمت مردان باشد تا در انتها نجات یافته تلقی گردد. وی می‌گوید که اجتماع اسلامی، به زن اجازه نمی‌دهد تا وی بدون حجاب در برابر نامحرم ظاهر شود و حق دارد فقط دو نوبت، در طول عمر خود از خانه بیرون آید اول در موقع مراسم ازدواج و دوم پس از مرگ و به صورت جنازه.

۳- بین سورات همانندی در بین زنان ارتدوکس مسلمان در ایالت اوتارپرادش وجود دارد که گوش می‌نمایند. دختران خود را به عنوان مخلوق عاجز و بی‌عاطفه تربیت نمایند.

واقعیت اینست که جامعه اسلامی هند از ابعاد مختلف با سیستم‌های اجتماعی هند استزاج یافته و تحت تأثیر قرار گرفته است. هنگامی که پادشاهان مسلمان وارد هند شدند به منظور جلب غیر مسلمانان به اسلام و فرهنگ اسلامی، تا حد زیادی اصول اجتماعی غیر اسلامی را با اجتماع اسلامی مخلوط ساختند و بسیاری از عادات و سنن فرهنگی آنان را به خود اختصاص دادند. اینست که می‌بینیم از آنروز، مسائل غلط بسیاری در جامعه اسلامی هند نفوذ پیدا کرده است و به منظور نشان دادن برتری پسر در مقابل دختر، حتی تعبیرات و تفسیرات مختلفی از احکام و دستورات آسمانی در کلام الله را ارائه می‌نمایند.

اجتماع مسلمانان در اوتارپرادش بر سه اصل استوار است یکی اینکه زن در هرحال، در برابر مرد از موقعیت کمتری برخوردار است و از لحاظ توانایی جسمی و روحی ضعیف‌تر از مرد تصور می‌شود. دوم اینکه زن در مقابل مرد، مسئولیت برای حفظ حیثیت خاندان بیشتر است و نباید کاری کند که باعث سرفکندگی والدین و دیگر اعضای خانواده گردد. سوم اینکه زن باید در هرحال، خود را پاسدار عزت و ناموس خاندان تصور نماید. در اجتماع مسلمانان اوتارپرادش برخلاف زن، مرد یک مخلوق آزاد از اجتماع کلیه مسئولیتهای اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی تصور می‌گردد و زن خوب کسی است که در مقابل تمام آزار و اذیتی که به دست شوهرش صورت می‌پذیرد حتی یک آه هم نکشد.

حجاب، بخش مهمی از اجتماع اسلامی در اوتارپرادش تلقی می‌گردد که توسط آن می‌توان زن را از جهان خارج بی‌خبر نگاهداشت. در این باره و مشاهده یک دختر مسلمان در لکهنو اظهار می‌دارد که در حریم خانه، کلیه حرکات و سکنات ما زیر نظارت بزرگان خاندان قرار دارد. به ما گفته می‌شود که نباید مثل پسران بلند حرف بزنیم و یا بازی و خنده کنیم. حرف زدن با پسران دیگر خانواده ممنوع اعلام می‌شود. ما حق نداریم حتی در گفت و گو راجع به عروسی خودمان شرکت کنیم و تربیت می‌شویم که

● یکی از مصلحان مسلمان، پس از تأسیس مدرسه دختران اعلام کرد دختران باید با حجاب، به فراگیری علم بپردازند تا بتوانند خدمات شایانی برای جامعه اسلامی به عنوان یک مادر باوجدان و آگاه انجام دهند و نسل جوان مسلمان را پرورش دهند.



نیال، بنگلادش و کلکته خریداری و به مراکز فساد در شهرهای بزرگ هند فروخته می‌شوند.
به هر حال، آنچه که مسلم است فقر و گرسنگی در نقاط مختلف این کشور و نفوذ روزافزون مظاهر فرهنگ مبتذل غرب و آزادی‌های بیش از حد، از علل اصلی ترویج فساد در جامعه هند می‌باشد.

به هر حال اخیراً شواهد و قرائن خوشاوندی برای ارتقای شخصیت زنان مسلمان در اجتماع هند دیده می‌شود که خواستار حقوق مساوی برای زنان و مردان می‌باشند. در همین راستا، تعدادی سازمان‌های اجتماعی مسلمانان بوجود آمده است که از حقوق زنان مسلمان دفاع می‌نمایند.

دختران خردسال هندی در دام مراکز فساد

بررسی‌های انجام شده توسط برخی جرایم و مسترین اجتماعی هند حاکی از آنست که تعداد دختران کم سن و سال در محافل فساد این کشور، روز به روز افزایش می‌یابد.

مسترین مربوطه هشدار داده‌اند که در آینده نزدیک، هند در این زمینه، حتی از همسایگانش در جنوب شرقی آسیا مثل تایلند و فیلیپین نیز پیشی خواهد گرفت.

آمار اعلام شده توسط یکی از جرایم این کشور نشان می‌دهد که ازین ۴۰۰ هزار نفر زنان کم سن و سال که در مراکز فساد بسر می‌برند ۵۰ هزار نفر آنان نپالی هستند که توسط دلالان حيله گر به این کشور آورده شده و به این مراکز فروخته شده‌اند.

جهانگردان اروپایی و آمریکایی و اعرابی که برای خوشگذرانی وارد این کشور می‌شوند به ویژه در شهرهای بمبئی، حیدرآباد و مالابار باعث ترویج تجارت فساد در این کشور هستند.
دختران کم سن و سال اکثراً بدون اطلاع والدینشان و با حيله دلالان، با عهده پیدا کردن شغل در دام این مراکز گرفتار می‌شوند. آنها عمدتاً از

وضعیت زنان در جمهوری قرقیزستان

طبق اظهارات مسترین کمیته زنان جمهوری قرقیزستان، ۲۵۰۰ شورای زنان در این جمهوری وجود دارد که اکثر آنها در مجتمع‌های کاری فعالیت می‌نمایند. تعداد اعضای شوراهای زنان حدود ۸۰۰۰۰ نفر می‌باشد.

زنان جمهوری قرقیزستان، ۵۲ درصد جمعیت این جمهوری را تشکیل می‌دهند که به‌عنوان از آنها در مشاغل اجتماعی، بهداشتی، آموزشی و غیره در ادوات و کارخانجات مشغول به کار هستند. درصد زنان شاغل بین ۹۰ تا ۹۵ درصد جمعیت زنان قرقیزستان می‌باشد.

سطح آموزش و تحصیلات زنان شاغل در امور اقتصادی و به میزان ۹۲۷ نفر در بزرگ می‌باشد. اخیراً سازمان اجتماعی کمیته زنان جمهوری قرقیزستان تأسیس شده است و فعالیت شوراهای زنان زیر نظر مدیریت کمیته مشخص و معین می‌گردد. این سازمان در امور اشتغال زنان در زمینه‌های تولیدی، حرفه‌ای، و وسایل مربوط به بهبود شرایط کار، حفظ سلامت مادران و فرزندان، نقش فعالی را بر عهده دارد.